

با جواد افشار، کارگردان باسابقه تلویزیون

محور اصلی ملودرام خانواده است

احمد محمد اسماعیلی

ملودرام همیشه با ذائقه مخاطب ایرانی نزدیک بوده و اغلب فیلم‌های پرفروش و سریال‌های موفق تلویزیونی آثار ملودرام بوده‌اند. پس از باران، ستایش، کیمیا، نرگس و... از جمله آثار موفق ملودرام بوده‌اند. جواد افشار در سال‌های اخیر یکی از موفق‌ترین و پرکارترین کارگردان‌های تلویزیون بوده است و سریال‌هایش جذاب، پرمخاطب و موفق به لحاظ کارگردانی و ساختار بوده‌اند. سریال پرهزینه کیمیا با بیش از ۱۰۰ قسمت یکی از نقطه عطف‌های سریال‌سازی در تاریخ تلویزیون بوده است. برادر و آنام، سریال‌های بعدی افشار همگی ملودرام‌های خوش‌آب و رنگ و دراماتیکی بودند که با ذائقه مخاطب ما جور در آمدند. مادرانه، گل یا پوچ، روزهای زیبا، کلبه و رازین عشق از جمله کارهای مهم کارنامه افشار محسوب می‌شوند. با افشار درباره ژانر ملودرام و قواعد و اصول آن گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

به نظر شما ریشه تاریخی علاقه مخاطب ایرانی نسبت به سریال‌های ملودرام چیست؟
موقعی که در جامعه‌ای خانواده مهم است و به عنوان محور مورد توجه قرار می‌گیرد، طبیعی است کارهایی که در حوزه ژانر ملودرام ساخته می‌شود هم مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرد.

در ژانر ملودرام ضمن توجه به بخش‌های درام که جذاب و باشکوه است انسان و خانواده محور می‌شوند. در کارهای ملودرام موفق و فکر شده، چون آدم‌ها بخشی از زندگی خودشان را می‌بینند طبیعی است برایشان جذاب است که سریال را تا انتها دنبال کنند و اغلب مخاطبان سریال‌های تلویزیون خانواده‌ها هستند و به همین دلیل اغلب ملودرام‌های موفق تلویزیون در ارتباط با مخاطب موفق بوده‌اند.

آیا در ژانر ملودرام سازنده باید بیشتر روی مسائل خانوادگی تمرکز کند؟

در ژانر ملودرام روابط درون‌خانوادگی درام‌ساز است. در ملودرام‌های ایرانی شاید به دلیل شرایط تولید، جای خالی صحنه‌های پرشکوه و پر شخصیت احساس می‌شود.

ملودرام‌ها اصولاً شگفت‌انگیز هستند. شگفت‌انگیزی می‌تواند در خلق موضوع باشد و یا در شکوه، عظمت صحنه‌ها و دکورهای متنوع قابل تعریف باشد.

معتقدید در ژانر ملودرام قصه‌گویی بهتر می‌تواند خودنمایی کند و نظر مخاطب را به خودش نسبت به سایر ژانرها جلب کند؟

با این مساله موافقم. در ملودرام‌ها بخصوص موقعی که قهرمانی داشته باشید و او درام را هم روبه‌جلو ببرد باید قصه جذابی در اختیار داشته باشید تا ماحصل کار درست و استاندارد باشد.

یکی از نقاط قوت سریال‌هایی که

ساخته‌اید ترسیم کلاسیک تقابل میان خیر و شر و یا خیر و شر بخصوص در سریال‌هایی مثل کیمیا، برادر و آنام است. این تقابل‌ها چقدر در آثار ملودرام مهم هستند؟

همیشه مواجهه و تقابل میان خیر و شر و یا همان آدم خوب‌ها و آدم بد‌ها که بتوانند توانایی‌های خاکستری هم داشته باشند، در جذابیت‌های ملودرام اثرگذار است. در ملودرام‌های خانوادگی هم بیشتر این نوع تقابل کارکرد دارد.

در ملودرام‌هایی که ساخته‌اید مادر به عنوان زمینه اصلی خانواده کارکرد متغیری دارد. گاه مثل مادر سریال کیمیا یک زن قوی و محکم و بارز است و گاه مثل مادر سریال مادرانه یک مادر بی‌مسئولیت خودخواه. این گوناگونی ترسیم شخصیت مادر در ملودرام‌ها چه جایگاهی دارد؟

تنوع شخصیتی در هر ژانری به نفع خلق ایجاد درام جذاب و جلب نظر مخاطب است. مادر هم محور خانواده است. محوری که پر از عواطف، احساسات و حس و حال است و از فداکاری برای خانواده ابایی ندارد.

شخصیت پدر هم در آثار ملودرام و سریال‌های شما از نکات مهم خلق درام و تثبیت و ایجاد تعادل میان خانواده است.

پدر ستون خانواده است و البته جنبه‌های احساسی و عاطفیش کمتر از مادر است و می‌تواند جاهایی با منطق و نه از سر احساس تصمیمات مهمی در خانواده بگیرد. پدر در اصل تکیه‌گاه زن و فرزند و منبع قدرت است.

آیا در خلق موقعیت‌های دراماتیک وجود فرزندان ناخلف و شر در یک خانواده مثبت و ارزشی می‌تواند باعث بروز موقعیت‌های متفاوتی در درام اصلی داستان شود؟

بله، این تنوع موضوعی و ساختاری خیلی به کمک

تفاوت ملودرام‌های ایرانی و خارجی

ژانر یک سری قواعد و الگوهای یکسان در تمام دنیا دارد و تفاوت در فرهنگ آن جامعه و جنس خانواده و روابط موجود در آن به وجود می‌آید. اغلب ملودرام‌های ایرانی به لحاظ محتوایی و داستانی بسیار خوش‌ساخت و با اخلاق هستند. اما در بحث تولید و لوکیشن‌ها از ملودرام‌های آن سوی آب عقب هستیم.



نشان بدهیم.

در میان سریال‌هایی که تا به حال ساخته‌اید کدامیک از سکانس‌های عاطفی و ملودرام برایتان جذابیت بیشتری داشته است؟

سریال کیمیا دو سه صحنه ماندگار عاطفی دارد که برایم خیلی ارزشمند و عزیز است. سکانس دیدن پدر و دختر در سریال کیمیا بعد از سال‌ها اسارت پدر در عراق بار عاطفی زیادی داشت. سکانس دیگر جذاب سریال کیمیا صحنه همراهی کیمیا و دوستش و مواجهه آن دو در نمایشگاه با یک آزاده است. در سریال آنام هم چند سکانس خاطره‌انگیز در ذهنم باقی مانده است. صحنه‌ای که مهرانه مهین ترابی با شبنم قلی‌خانی مواجهه دارند و قلی‌خانی متوجه می‌شود مهرانه مهین ترابی مادر واقعی‌اش نیست. باتوجه به این شرایط به گونه‌ای برای دیدنش احساسات به خرج داد که یک دختر برای مادر واقعی‌اش بروز می‌دهد.

سکانس جذاب دیگر همین سریال رفتن دختر بر سر قبر مادر واقعی‌اش و داشتن این حسرت که چرا نتوانسته در زمان زنده بودن مادرش را ببیند صحنه بسیار احساسی و اثرگذاری بود. هیچ‌گاه هم از خاطرم پاک نمی‌شود. اساساً این نوع سکانس‌های بروز و غلیان احساسات بشری مثل عشق به مادر، فرزند و یا همسر همیشه اثرگذار است و می‌تواند نظر مخاطبان را به خودش جلب کند. من در اغلب سریال‌هایی که ساختم تلاش کرده‌ام حداقل در بیشتر قسمت‌های سریال‌ها چند تا از این نقطه عطف‌های احساسی و اثرگذار داشته باشم تا مخاطب با سریال همراه شود و بعد از پخش سریال منتظر پخش قسمت جدید سریال باشد.